



mtarbiat.ir

مبانی تربیت و رشد اسلامی

مستندات جلسه هشتاد و یکم

موضوع:

سبک زندگی از دیدگاه مقام معظم رهبری
و نسبت آن با دوره تربیت و رشد اسلامی (۱۱)

یکم اردیبهشت ۱۴۰۴

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

هشدار دربارهٔ التقاط نقطهٔ مقابل تحجر

سکولاریسم پنهان

مراقب باشیم دچار سطحی‌گری و ظاهرگرایی نشویم، دچار تحجر نشویم. این یک طرف قضیه است.

دچار سکولاریسم پنهان هم نشویم. گاهی اوقات در ظاهر، تبلیغات، تبلیغات دینی است؛ حرف، حرف دینی است؛ شعار، شعار دینی است؛ اما در باطن، سکولاریسم است؛ جدائی دین از زندگی است؛ آنچه که بر زبان جاری میشود، در برنامه‌ریزی‌ها و در عمل دخالتی ندارد. ادعا میکنیم، حرف میزنیم، شعار میدهیم؛ اما وقتی پای عمل به میان می‌آید، از آنچه که شعار دادیم، خبری نیست. (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی؛ ۱۳۹۱/۷/۲۳)

سکولاریسم چیست؟

سکولاریسم به معنای بی‌دینی نیست، سکولاریسم به معنای این است که دین در غیر عمل شخصی، هیچ بُروز و ظهوری نداشته باشد. نظام اجتماعی کاری به دین ندارد. بله، هرکسی در داخل نظام اجتماعی متنوع غربی و شرقی و امثال اینها خودش برای خودش، در دل خودش، در عمل خودش یک ارتباطی با خدا داشته باشد؛ سکولاریسم یعنی این. این همان چیزی است که دشمنان میخواهند؛ دشمنان همین را میخواهند. آن دینی که با آن مخالفند، آن ایمانی که با آن می‌جنگند، آن ایمانی است که به ایجاد نظام اسلامی

می‌انجامد و اسلام را قدرتمند میکند؛ با آن مخالفند. (بیانات در دیدار
ائمه جماعات مساجد استان تهران؛ ۱۳۹۵/۵/۳۱)

فهم عالمانه قرآن و حدیث علیه السلام راه‌رهایی از تحجر و التقاط

یکی از نیازهایی که مورد ابتلاء همه‌ی جوامع اسلامی و همه‌ی کشورهای اسلامی است و به آن نیاز دارند و بخصوص کشور عزیز ما که بحمدالله با نظام اسلامی اداره میشود به آن نیاز دارد، عبارت است از اینکه ما مفاهیم اسلامی را به مرحله‌ی عمل و به عرصه‌ی عمل بکشانیم. منظومه‌ی معرفتی و ارزشی اسلام یک مجموعه‌ی مفاهیمی است که آوردن این مفاهیم به میان مردم و آنها را به مرحله و منصفه‌ی عمل درآوردن، یک کار بسیار بزرگ و مهمی است که ما هر جا این کار را نسبت به هر یک از این مفاهیمی که حالا بعد اجمالاً عرض خواهیم کرد انجام دادیم، برای ملت و کشور و برای آبروی اسلام و جمهوری اسلامی ارزشمند بود؛ و هر جا غفلت کردیم، محروم ماندیم. در واقع عرض بنده این است که عناوین و مفاهیم معرفتی اسلام جنبه‌ی عملیاتی و ترجمه‌ی عملیاتی پیدا کند و عمل به آنها ممکن و رایج بشود که این به خودی خود نمیشود و احتیاج به تلاش دارد. حالا من دو سه مثال در این زمینه عرض میکنم.

مثلاً فرض بفرمایید در همین قضیه‌ی اخیر کرونا؛ مفهوم «مواسات» یک مفهوم کلیدی است در مجموعه و منظومه‌ی ارزشی و معرفتی اسلام، که این مفهوم با یک قدری تبیین در جامعه، یک نهضت در همین ایام به وجود آورد: نهضت کمک مؤمنانه؛ و یک کار بزرگ انجام گرفت؛ یعنی مردم مواسات را از جایگاه یک مفهوم معتبر و مثلاً ارزشمند شرعی که همه قبول داشتند، آوردند به مرحله‌ی عمل، و شما دیدید در سرتاسر کشور چقدر کار انجام گرفت، چقدر

ارزش خلق شد با کارهایی که جوانها کردند، مردم کردند، گروه‌ها کردند، دستگاه‌های دولتی کردند، دستگاه‌های نهادی انقلابی انجام دادند؛ یک حرکتی راه افتاد، یک نهضتی انجام گرفت، گره‌هایی را باز کرد، کارهایی را راه انداخت. یعنی مفهوم مواسات این کشش را داشت، این ظرفیت را داشت که این جور تأثیر بگذارد و جامعه را تحت تأثیر قرار بدهد.

یا برویم جلوتر؛ این مفاهیم مهمی که امام (رضوان الله علیه) از آنها استفاده کردند مثل مفهوم توکل، مفهوم تکلیف، مفهوم ایثار - اینها همه مفاهیم شرعی است دیگر - تا مفهوم شهادت، مفهوم جهاد؛ اینها مطرح شدند و با حضور امام و با تحرک امام و با تبیین امام و با خواست امام که مؤید به اراده‌ی الهی بود، وارد عمل زندگی مردم شد؛ نتیجه این شد که ما مثلاً در هشت سال، یک جنگ در واقع بین‌المللی را توانستیم بر مخالفینمان پیروز بشویم؛ که این حرکت عظیم مردم در میدان جنگ ناشی از این مفاهیم بود؛ این مفاهیم را امام در بین مردم رایج کرد و اینها را از جایگاه مفهومی که همین طور در قرآن و در حدیث و مانند اینها میخواندیم و میگفتیم اما در عمل حضور نداشت، آورد در [عرصه‌ی] عمل؛ یکی این... .

خب حالا نظام اسلامی تشکیل شد. آنچه ما میخواهیم عرض بکنیم این است: نظام اسلامی که تشکیل شد، آرمانهایی را مطرح کرد که خود این آرمانها هم مربوط به اسلام بود و از قرآن گرفته شده بود. اینها قبل از تشکیل نظام اسلامی به صورت یک آرزو گفته میشد، یا ممکن بود به صورت آرزوی دست‌نیافتنی در ذهن کسی بیاید، مثل قیام به قسط مثلاً، مثل عدم تحمل ظلم - انظلام - مثل عدم استکبار، عدم ظلم، نبود ظلم، یا حیات طیبه، تعالی اخلاقی انسان، رواج فضایل

و از این قبیل آرمانها - اینها آرمانهای اسلامی است؛ اینها آرمانهایی است که جمهوری اسلامی مطرح کرده - [اما] چیزهایی نبود که در مرحله‌ی عمل بتواند مورد توجه قرار بگیرد. خب برای رسیدن به این آرمانها ابزارهایی لازم است. آن ابزارها هم که ما را به آن آرمانها برساند، باز در خود منظومه‌ی معرفتی اسلام بلاشک وجود دارد؛ چون امکان ندارد که مقصد را به ما بگویند و ما را تحریض کنند به رسیدن به آن مقصد اما راه را جلوی پای ما نگذارند؛ چنین چیزی امکان ندارد. بنابراین راهش هم در کتاب و سنت هست. حالا نظام اسلامی میخواهد به این آرمانها برسد، [لذا] بایستی این وسایل و ابزارهای رسیدن را که جزو مفاهیم معنوی و منظومه‌ی معرفتی اسلام است، جستجو کند، پیدا کند، اینها را عملیاتی کند و راه بیفتد؛ یعنی در واقع این یک نرم‌افزار است برای سخت‌افزار حکومت اسلامی. حکومت اسلامی را به عنوان سخت‌افزار در نظر بگیرید، اگر نرم‌افزار مناسب خودش را نداشته باشد، به هیچ کار نمیخورد. نرم‌افزارش همین است که راه‌های رسیدن به آن آرمانها مشخص بشود و حرکت در این جهت ادامه پیدا کند.

خب حالا من امروز این را میخواهم عرض بکنم که نظام اسلامی به یک چنین نرم‌افزاری بنابراین احتیاج دارد. هر چه نظام اسلامی گسترش پیدا کند و جلو برود، با مسائل جدید داخلی و بین‌المللی مواجه خواهد شد، با چالش‌های جدید مواجه خواهد شد، با وضعیتهای جدید مواجه خواهد شد و این او را نیازمند میکند به اینکه عقبه‌ی فکری تغذیه‌کننده‌ی نظام هم گسترش پیدا کند. آن عقبه‌ی فکری‌ای که نظام را دارد جلو میبرد و تغذیه میکند و از انحرافش جلوگیری میکند، باید تقویت بشود، باید مفاهیم جدید

مطرح بشود. عرض کردم این مفاهیم جدید از بیرون نمی‌آید، از داخل خود مفاهیم اسلامی است، از متن قرآن و سنت است که مطرح میشود. البته این کار - پیدا کردن مفاهیم جدید و بحث کردن درباره‌ی اینها - کار همه کس نیست؛ فضلا و متفکرینی بایستی دنبال این کار بروند که با مبانی اسلامی کاملاً آشنا باشند، قرآن را با دقت مطالعه کرده باشند و تلاوت کرده باشند، تدبّر کرده باشند و از جمود و تحجّر فکری دور باشند؛ چون از این طرف یک خطر این است که یک آدم بی‌صلاحیت و نیمه‌سواد و التقاطی وارد استنباط‌های جدید از آیات الهی بشود، از آن طرف هم این خطر وجود دارد که یک آدم متحجّر که هنوز مسئله‌ی دخالت دین در زندگی اجتماعی و سیاست و حکومت برای او حل نشده بخواند و وارد بشود؛ نه، باید انسانهای متفکر، شخصیت‌های برجسته [وارد کار بشوند]. ... این بحث ظرفیت زیادی دارد برای بررسی کردن، مطالعه کردن و در پیرامون آن حرف زدن و به نتایجی رسیدن. (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۱۳۹۹/۱۲/۴)

اگر با قرآن انس گرفتیم، آن وقت این فرصت و این مجال پیدا خواهد شد که صاحبان فکر از قشرهای مختلف، بر روی نکات قرآنی تدبّر کنند، چیزهایی را از قرآن استفاده کنند، استنباط کنند، بفهمند و به سؤالات گوناگون جواب بدهند. منظورم از سؤالات، شبهه‌ها نیست؛ منظور سؤالات درباره‌ی زندگی است، زندگی کردن. الان میلیون‌ها سؤال در مقابل ما است. وقتی که یک جامعه‌ای با یک حکومتی، زندگی را به سمت آرمانهایی دارد حرکت میدهد و حرکت میکند، این [جامعه] با هزاران هزار سؤال مواجه است؛ در نوع ارتباطات، در نوع رفتار، در نوع موضع‌گیری‌ها، در نوع دشمنی و

دوستی‌ها، در نوع برخورد با مال، در نوع برخورد با امور دنیا؛ اینها همه سؤالاتی است که مطرح است؛ همه‌ی این سؤالاتها جواب دارد. بشریت گمراه و بدبخت شد، به خاطر اینکه جوابهای درست این سؤالاتها را پیدا نکرد. بدبختی امروز دنیا - و بشر - به خاطر این است که جوابهای درست را به این سؤالاتها بلد نشد، فرا نگرفت؛ پاسخهای غلط، پاسخهای انحرافی، پاسخهای گمراه‌کننده دریافت کرد، به ذهنش رسید، عمل کرد، [لذا] امروز رسیده به اینجا؛ دنیا امنیت ندارد، صفا ندارد، معنویت ندارد، آرامش روحی ندارد، دلهای آحاد جامعه با یکدیگر صاف نیست؛ این وضعیت امروز دنیا است، همه‌ی دنیا این جور است. (بیانات در محفل انس با قرآن کریم؛ ۱۳۹۶/۳/۶)

در صورت کم‌کاری منتظر عقوبت باشیم

از جمله‌ی چیزهایی که خیلی ذهن بنده را مشغول میکند به عنوان یک مسؤل، خطاب به حضرت یونس (سلام الله علیه) است که ایشان یک حرکتی انجام دادند که ناشی از یأس و خستگی بود یعنی قومشان به ایشان جواب ندادند؛ آن وقت خدای متعال به این پیغمبر که یک عمر هم در [بین] این جمعیت زحمت کشیده بود و خستگی برای او معنا نداشت میفرماید: «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ» (انبیاء/۸۷) خیال کرد ما به او سخت نخواهیم گرفت؛ نخیر، بر او سخت میگیریم؛ و سخت هم گرفت و آن مجازات کذائی برای جناب یونس به وجود آمد. بنده غالباً وقتی که احساس بی‌عملی میکنم - چه در خودم، چه در دیگران، چه در مسئولین - به یاد این [آیه] می‌افتم که «فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ»؛ خیال میکنیم که این بی‌توجهی، بی‌اهتمامی، بی‌عملی موجب واکنش تند از طرف حضرت باری تعالی (جلّ جلاله) نخواهد شد؛ چرا، خواهد شد؛ یعنی

این معنا عملیاتی میشود برای ما، عینی میشود و خودش را نشان میدهد. (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۱۳۹۹/۱۲/۴)

مدرسه تربیت و رشد اسلامی

mtarbiat.ir